جواد هاشمی انتقاد کرد

«ایرادهای عجیب» سینمای کودک و نوجوان

سیدجوادهاشمی با اشـاره به کم شدن فیلم‌هایی برای کودکان و نوجوانان و انتقاد از نوع طرح‌هایی که برای ساخت فیلم کودک پیشـنهاد می‌شـود، گفت: نوع نگاه حاکم در دسـتگاه‌های دولتی برای ساخت فیلم در سینمای کودک ویژگی‌های لازم را برای جذب مخاطب ندارد.

به گزارش ایسنا، تابستان از راه رسیده و سینما به عنوان یکی از محبوب‌ترین و در دسترس‌ترین سرگرمی خانواده‌ها، فعلا فیلم جذابی برای کودکان و نوجوانان عرضه نکرده است.

سـال گذشته چند فیلم و انیمیشن به طور متوالی روی پرده سـینماها رفتند و توانسـتند موفقیتی هم در گیشه داشـته باشـند اما در حال حاضر به نظر می‌رسد با توجه افزایش هزینه‌های تولیـد و نگرانی‌ها بابت وضعیت اکران، فیلمسازان فعال و باسابقه در سینمای کودک رغبت چندانی برای کار در این حوزه ندارند.

سیدجوادهاشمی که تقریبا از زمستان سال گذشته، فیلم «جزیره فضایی» (تورنادو ۲) را روی پرده داشـت و الان در پلتفرم‌های اینترنتی آن را به صورت آنلاین اکران می‌کند، در گفت‌وگویی با ایسـنا درباره وضعیت فروش فیلمش در اکران آنلاین و اینکه آیا قصد سـاخت فیلم جدیدی دارد یا خیر، بیان کرد: اکران آنلاین «جزیره فضایی» در مقایسه با اکران در سـینما تا به امروز وضعیت بهتری داشته چون در سینما فقط ۳۰ درصد فروش به تهیه‌کننده می‌رسد و برای فیلمی که سـال ۱۳۹۸ با دو میلیارد تومان ساخته شده و پس از حدود پنج سال، پنج میلیارد تومان بلیت می‌فروشد، فقط یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان به سرمایه‌گذار فیلم برمی‌گردد و این رقم بسـیار خنده‌دار است. نکته جالب‌تر اینجاست این رقم مشمول مالیات هم می‌شود و ما نه تنها حتی پول تولید را درنیاورده‌ایم و زمین خورده‌ایم، بلکه باید مالیات هم بدهیم. بنابراین با چنین شرایطی، به نظر می‌رسد در مسیری هستیم که فیلمساز مستقل نتواند فیلم بسازد و سینمای خصوصی شکست بخورد. من دیگر نمی‌توانم به این ماجراها نگاه مثبتی داشته باشم.

این بازیگر که فیلم «فسیل» را هم روی پرده دارد، درباره ارزیابی‌اش از وضعیت امروز اکران سینما که در قبضه کامل فیلم‌های کمدی است و اینکه آیا او هم ترغیب شده تا فیلم کمدی بسازد؟ گفت: فیلم‌های کمدی به این دلیل نیاز مردم به خنده و روحیه شاد، بیشتر فروش دارند اما نکته اینجاست که در بین فیلم‌هـای کمدی هم فقط برخی فیلم‌ها موفق به فروش می‌شـوند که سازندگانشان بیشتر شناخته شده باشند؛ مثلا در حوزه سـینمای کودک من تقریباً می‌دانم که هر فیلمی بسـازم پنج تا شش میلیارد تومان می‌فروشد چون خانواده‌ها فیلم‌های قبلی مرا را دیده‌اند و سبک کارم را می‌شناسند پس معمولا با بچه‌های خود به تماشا می‌روند. در سـینمای کمدی هم به‌جز چند فیلم مثل «دینامیت»، «انفرادی» و «فسـیل»، بقیه نتوانسـتند پول تولید خود را برگردانند و به نظرم مسـئولان باید توجه داشـته باشند که نباید نسـبت به فروش فعلی «فسیل» در این چند ماه خوشحال باشـند و آن را به حسـاب کلی سینما بگذارند چون شـاید مسئولان سینمایی بر این باور باشند که وقتی «فسـیل» بیش از ۱۸۰ میلیارد تومان فروخته، پس وضع سـینما خوب است در حالی که آن‌ها نباید این رقم فروش را به عنوان چوب‌خطی برای رونق سینما از سوی مدیریت در نظر بگیرند. «فسیل» یک فیلم خصوصی بود که توانست فروش کند در حالیکه فیلم «غریب» که من آن را بسـیار دوست داشتم و همین الان هزینه ساخت آن به ۳۰ میلیارد تومان می‌رسد، نتوانسته در گیشه موفق باشد.

هاشمی ادامه داد: سینما وضعیت بسامانی ندارد و یکی از مهم‌ترین دلایل آن مسـئله قیمت بلیت است. این روزها قیمت یک آدامس از قیمت بلیت سینما بیشتر است یعنی به هر چه دسـت بزنید قیمت آن ۱۰ برابر شـده در حالی که افزایش قیمت بلیت سـینما خیلی کمتر از این‌ها بود. برخی می‌گویند اگر بلیت سینما گران شود، مردم به سینما نمی‌روند، اگر این‌طور باشـد پس چرا تئاتر با بلیت ۳۵۰ و ۷۰۰ هزار تومان و کنسرت با قیمت ۸۰۰ هزار تومان خوب فروخته می‌شود؟ او با بیان اینکه وضع سینما خراب است و باید آن را نجات داد، گفت: در شرایط فعلی من اصلا امکان سـاخت فیلم را ندارم، بخصوص آنکه مخارج مراحل پس از تولید فیلم «شهر گربه‌ها ۲» حدود یک میلیارد تومان شده و حتی آنقدر پول ندارم که آن را اکران کنم. آیا کسی درک می‌کند که مفهوم برگشت سرمایه در سینما یعنی چه و ما با چه مشکلاتی روبه‌رو هستیم؟ همین فیلم «شهر گربه‌ها ۲» مدت‌هـا در انتظار مجوز نمایش بـود تا به طور کامل بر وفق مراد وزارت ارشـاد باشـد. ایرادهایی را به فیلم وارد کردند که برای یک فیلم کودک و نوجوان عجیب بود. البته فیلم‌های من به گونه‌ای هسـتند که خانواده‌ها نیز بتوانند تماشا کنند ولی ایراد به محتوا از جنبه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی عجیب است. برای من این پرسش به وجود آمد که آیا مسئولین متوجه نیستند در چهار سال اخیر در حوزه سـینمای کودک فقط پنج فیلم فروش کرده و بقیه حتی هزینه‌های تولید خود را برنگرداندند؟

او اضافه کرد: با ادامه این وضعیت فقط فیلم‌های دولتی باقی می‌مانند و بچه‌ها هم اگر چنین محصولاتی را دوست داشتند، همان تلویزیون را تماشا می‌کردند. واقعیت این است که نوع نگاه حاکم در دستگاه‌های دولتی برای ساخت فیلم در سینمای کودک ویژگی‌های لازم را برای جذب مخاطب ندارد. من خودم طرحی داشـتم با نام «شهر الاغ‌ها» که به بنیاد فارابی ارائه کـردم، ولی به من گفتند به جای چنین طرحی، سراغ ساخت فیلمی درباره کودکان سرطانی بروم.

جوادهاشـمی که این روزها مشـغول بازی در سـریال «زخم کاری ۲» محمدحسـین مهدویان اسـت، در پایان این گفت‌وگو درباره پروژه‌های جدیدش برای بازیگری گفت: به‌جز «زخم کاری»، سـریال «بازپرس» را هم کار کرده‌ام ولی فعلا بازیگری را خیلی دوسـت نـدارم و برای گذران زندگی گاهی مجبور به بازی می‌شوم چون از تهیه‌کنندگی در سـینما خیلی لطمه خوردم. البته در انتخاب نقش هم در کنار تلاش برای شکستن تابوها، مراقبت‌های زیادی باید انجام دهم.

مهدی کریمی:

برای فرود هلیکوپتر در «آژانس شیشه‌ای» تعهدات عجیبی دادیم

تهیه‌کننـده فیلـم سـینمایی «آژانـس شیشـه‌ای» گفت: فرود هلیکوپتـر در مرکز شـهر برای فیلم‌برداری آژانس شیشه‌ای جزو مواردی بود که تا آن زمان کسی تجربه نکرده بود؛ تعهدات عجیب و غریبی را پذیرفتیم تا آن پلان گرفته شد.

مهـدی کریمی در گفت وگو بـا خبرنگار سـینمایی ایرنـا اظهارکـرد: مهرمـادری و آژانسشیشـه‌ای خاطره انگیزتریـن و راحت ترین تولیدات ما در سـینمای ایران بود نه از باب حمایت یا بضاعت مالی چون اتفاقا شرایط مالی پروژه با مشکلات متعدد بود اما صادقانه این که هجمه روی عوامل اجرایی نبود و اصلا در سینما کسی امید نداشـت در حوزه تهیه کنندگی اثر این تجربه بخواهد موثر واقع شود.

کریمی خاطرنشان کرد: همیشه بخشی از حواشـی، زحمت تولید را ضایع می‌کند اما آن زمان کسی توجهی به تولید دو فیلم نمی‌کرد. امروز اصحاب رسانه همواره به سراغ پروژه‌هایی می‌روند که اطلاع رسانی خبری دارد یا گزارش دارند و یا تصاویر تولیدشـان را می‌دهند اما ما آژانسشیشـه‌ای را در یک سکوت خبری کار کردیم و تا افتتاحیه جشنواره فیلم فجر کسی حتی عکسی از فیلم ندیده بود و این خوب بود. امروز با توجه به دسترسـی ساده رسانه ای و اطلاعاتی که وجود دارد چنین کاری (تولید در سکوت خبری) غیرممکن است.

وی بیان کرد: لذتی که در سال ۷۶ از تولید ایـن آثار بردیم و آن انگیزه جمعی و انرژی که همه بچه‌ها یکدست برای این کار کشیدند برای ما یک امتیاز بزرگ بود.

تهیه کننده فیلم سینمایی آژانس شیشه‌ای ادامه داد: آن سـالها مانند این سالها نبود که وقتی فیلمی می‌فروشد روی پرده می‌ماند و از این دست اتفاقات و پایین کشیدن از پرده در تمام این سالها کم اتفاق نیفتاده است.

کریمی در پاسـخ به این پرسـش که چرا آژانسشیشـه‌ای در آن زمان درخشـید، بیان کرد: این فیلم زمانی سـاخته شد که تنوع کم بود و حرفش جدید بود. آژانس شیشـه‌ای در دوره ای دیده می‌شود که جامعه ملتهب گفت وگوسـت و فضای رسانه‌ای آنقدر باز و بی در و پیکر نبوده اسـت. آن زمان بردن یک فریم از فیلم از مرز کشـور هزار مسئله داشت یا حتی دیدن یک فیلم کـه از آن ور آب می‌آمد هزار مکافات داشت.

تهیه کننده فیلم سینمایی لیلی با من است (کمال تبریزی ۱۳۷۴) یادآور شد: مانند دوره ای اسـت که گشنه و تشنه سپری می‌کنید و به یک غذای مناسـب می‌رسید و مزه این غذا بسـیار زیاد در ذهن شما می‌ماند. حتی شاید این غذا در مقایسه با بسـیاری دیگر از غذاها کم و کسـری داشته باشـد اما خاطره اش در ذهن می‌ماند.

کریمـی با اشـاره بـه علت مانـدگاری آژانسشیشـه‌ای توضیح داد: این فیلم یکی از کارهای شـاخص آقای ابراهیم حاتمی کیا در بحث تکنیک و کارگردانی و متن اسـت و این را نمی‌شود کتمان کرد. این فیلم هم مقبولیت منتقدان را داشت و هم اقبال مردمی را. دلیل اصلی آن هم این بود که هسـته و گروهی که در کنار همدیگر آژانسشیشه‌ای را خلق کردند یعنی بازیگران، کارگردان، نویسـنده، تیم‌های تولیـد و اجرا و همه اعضـای تیم تولید خوب بودنـد. وی افزود: این اثر به لطف تمام اعضای تیم خلق شد.

تهیه کننـده فیلم سـینمایی مهر مادری (کمال تبریزی ۱۳۷۶) در پاسخ به این پرسش که سـاخت آژانسشیشـه‌ای چقدر زمان برد، گفـت: فیلم نرمالی بود اساسـا کارهای آقای حاتمی کیا معمولا دوماهه فیلمبرداری می‌شد و آژانسشیشه‌ای هم زیر دوماه فیلمبرداری شد.

کریمـی در ادامـه توضیح داد: لوکیشـن فیلم فضای بسـته اما پربازیگری بود؛ در یک لوکیشن محدود زحمت اجرایی و کارگردانی و میزانسن و متنوع درآوردن کار بسیار پرمرارت بود اما اگر به تیتراژ آژانسشیشـه‌ای نگاه کنید الحمدالله بخشی از ذخایر امروز سینمای ایران از آژانسشیشه‌ای متولد شـدند؛ چه در حوزه بازی، چه در حـوزه کارگردانی، چه در حوزه نویسندگی و مجموعه تولید و همه چیز.

تهیه کننده لیلی با من است (کمال تبریزی ۱۳۷۴) افزود: همان سال ۱۳۷۶ اواخر بهار مهر مادری آقای کمال تبریزی را کار کرده بودیم و آژانسشیشه‌ای در دل آن فیلم اتفاق افتاد یعنی آخر تابستان شروع شـد و پاییز تمام شد. آن زمان دقت‌ها بیشتر و انرژی‌ها برای زمانبندی و تولید متمرکزتر بود.

کریمـی در توضیح بـی مهری‌هایی که به فیلم سـینمایی آژانسشیشه‌ای روی داد، بیان کرد: آژانسشیشـه‌ای در اوج فروش بود اما از پرده پایین آمد آن هم به این بهانه که فیلم‌های دیگر باید دیده شـوند؛ فیلم آژانسشیشه‌ای را برداشـتند که اکـران دو زن (تهمینه میلانی ۱۳۷۷) عقب نیفتد و آژانسشیشـه‌ای آن سال با کف فروش به ۶ میلیون تومان رسـید یعنی حتی سینماداران هم از این پایین کشیدن فیلم از روی پرده ناراضی بودند اما چون ابلاغی بود چاره ای جز انجامش نبود.

این تهیه کننده سـینما در پاسـخ به این پرسش که چه کسانی چنین تصمیم گرفتند، آیا همکاران سلحشور (اشاره به نیروی امنیتی آژانسشیشـه‌ای با بازی رضـا کیانیان) چنین تصمیمی گرفتنـد؟ اظهار داشـت: اتفاقا آن زمان همکاران سلحشور بر مسند قدرت بودند و حتـی در آن دوره و سـال‌ها فیلم‌های دفاع مقدسـی در بحث مواد خام و تولید از سـوی نهادهای فرهنگی حمایت می‌شدند اما آن زمان می‌گفتند چون این فیلم جایزه گرفته (رکورد سـیمرغ‌های فجـر را زده بود) اسـت، همان حمایت را هم از این فیلم نکردند.

تهیه کننده فیلم سینمایی رنگ خدا (مجید مجیدی ۱۳۷۷) در پاسـخ به این پرسش که کدام خاطره از آژانسشیشـه‌ای و تولید این اثر در ذهنش ماندگار شـده اسـت، گفت: فرود هلیکوپتر در مرکز شهر برای گرفتن یک پلان در آژانس شیشه‌ای جزو مواردی بود که تا آن زمان کسی تجربه نکرده بود و بسیار هم پرخطر بود اما پس از دو مـاه دوندگی‌های مختلف و تعهدات عجیب و غریب که همه گونه خسارت از سقوط هلیکوپتر تا شکسته شدن شیشه را پذیرفتیم و همه تعهدات را امضا کردیم تا آن پلان گرفته شد.

کریمی در توضیح محـل فیلمبرداری این سـکانس یادآور شـد: خیابان کریم خان زند، سرخیابان خردمند جایی که داروخانه ۱۳ آبان هست.

وی تاکیـد کرد: مهـارت خلبانی که آنجا نشست نکته مهمی بود چون گروه‌های پروازی مختلفی را آوردیم که هرکدام نظراتی داشتند اما دوستانی از گروه پروازی هلال احمر بودند که آمدند و آن پلان و سکانس را خلق کردند و اگر جرئت و جسارت آنها نبود ما نمی‌توانستیم این پلان را بگیریم و در نهایت آنچه خلق شد و در خاطره‌ها ماند، خلق نمی‌شد.

محیا دهقانی:

از رئالیتی‌شوها نترسیم

محیا دهقانی، بازیگر سینما و تلویزیون درباره حضـورش در رئالیتی‌شـوهایی چون «ارتش سری»، «ناتو» و «ضد» و تاثیر آن بر بازیگری، می‌گوید: حضور در اینگونه برنامه‌ها که بیشتر جنبه سرگرمی دارند لذت‌بخش و جذاب است و نباید از تجربه چنین برنامه‌هایی ترسید. این بازیگر که با نقش «نجلا» شناخته شد، مدتی است در رئالیتی‌شوهای شبکه نمایش خانگی دیده می‌شـود و معتقد است: یک بازیگر نباید در یک ژانر بماند و این ترس را نداشـته باشد که سابقه‌های قبلی‌اش خراب می‌شوند. محیا دهقانی در گفت‌وگویی با ایسنا درباره کارهای جدیدش در تلویزیـون بعد از تجربه‌ای که در «نجلا ۲» داشت، شـرایط کار در تلویزیون و شـبکه نمایش خانگی، بحث مشکلات مالی سازمان صداوسیما و ... به ذکر نکاتی پرداخت. او همچنین به عنوان یک بازیگر جوان خطاب به رئیس سازمان صداوسیما مطالباتی را مطرح کرد. مردم با رئالیتی‌شوها بیشتر سرگرم شده‌اند

ایـن بازیگر که پس از سـریال «نجلا» در رئالیتـی شـوهای «ارتش سـری»، «ناتو» و «ضد» حضور پیدا کرد ابتدا درباره اینکه آیا این نگرانـی را ندارد که بعد از ایفای نقش خاصش در «نجـلا» اکنـون با حضـورش در رئالیتی شوهای مختلف، به پیشنهادهای کاری اش و ذهنیت مخاطب آسیب بزند، چنین می‌گوید: الان دیگر نمی‌توانیم کارهـا را از هم تفکیک کنیـم. زمانی بود به عنـوان مثال می‌گفتند سینما، تلویزیون، بازیگر کمدی، بازیگر درام و ... اما الان دیگر همه با هم میکس شده‌اند. در مورد رئالیتی‌شوها باید بگویم از وقتی اینگونه برنامه‌ها آمده‌اند انصافا مردم بیشـتر سرگرم شـده‌اند. پس این خـود یک امتیـاز مثبت اسـت برای اینکه ما می‌توانیم مخاطبانمان را با اتفاقات ساده، سـالم و با هزینه کم سرگرم کنیم تا همراه با خانواده‌هایشان پای تلویزیون بنشـینند. به همین خاطر من بُعد مثبت این قضیه را می‌بینم؛ نه اینکه بخواهم اینگونه فکر کنم نقشـی را که قبلا بازی کرده ام را خراب کنـم. اصلا این نگاه را قبـول ندارم.او در عین حال تاکید می‌کند: من محیا دهقانی به هرحال در بازی‌هایـی مثل «ارتش سـری» و «ناتو» قرار گرفته‌ام و تجربه‌ای که داشتم برایم بامزه و جـذاب بود؛ ضمن اینکه در کنار این بازی‌ها همچنان به کار بازیگری‌ام هم ادامه می‌دهم و ترسـی ندارم که بگویم کارهایی که قبلا انجام دادم خراب می‌شود یا روی مخاطبانم تاثیری می‌گذارد. به هر حال هنوز هم که هنوز اسـت مخاطبی که می‌خواهد به عنوان مثال سریال «نجلا» را ببیند، همان نجلا را تماشـا می‌کند یا هـر نقش دیگری فرقـی نمی‌کند. دهقانی یادآور می‌شود: ابتدا که رئالیتی شوی «ارتش سری» به من پیشنهاد شـد مقاومت کردم و نمی‌خواسـتم وارد شـوم اما وقتی دیدم مثلا مردم چقدر بازی مافیا را دوسـت دارند و مدام در همه جا با هم در کنار خانواده‌ها و جمع‌های دوستانه بازی می‌کنند، من هم جذب اینگونه برنامه‌ها شـدم و با خودم گفتم چرا که نه. به نظرم این رئالیتی‌شوها مسابقات سرگرمی برای مخاطبان هستند و برایشان جذاب است.

تجربه حضور در «ناتو» و «مستوران۲»

این بازیگر سـپس به تجربـه حضورش در «ناتو» هم می‌گویـد: به نظرم «ناتو» هم نوعی بازی سـرگرمی و یک برنامه بامـزه‌ای بود. به عنوان تست اولیه «ناتو» اتفاق بدی نبود. درواقع هم جنبه سـرگرمی و هم بـالا بردن اطلاعات داشـت. به نظرم یک دورهمی دوسـتانه بود. بازیگر سـریال‌های «پایتخت»، «هم سـایه»، «هم بـازی»، «خودخواسـته» و «نجلا۲» در ادامه به حضورش در سـریال «مسـتوران ۲» اشـاره می‌کند و توضیح می‌دهد: این سـریال اکنون تصویربرداری‌اش تمام شده و احتمالاً از مهر ماه پخشش آغاز شود. برای فصل دوم باید بگویم نه بـه این خاطر که خودم در آن حضور دارم ولی به نظرم «مستوران۲» یک اتفاق تازه در تلویزیون ماست و من فکر می‌کنم مخاطبان کار متفاوتی را خواهند دید که از نظر فیلمنامه و تسـت بازیگران و عوامل پشت صحنه خیلی متفاوت تر از سـری اول اسـت. هنوز خروجی کار را ندیده ایم اما امیدواریم کاری باشـد که مردم دوسـت داشته باشند. به نظرم فصل دوم «مستوران» یک سریال کامل است که همچنان تخیلی اسـت اما همراه با فکر و ژانری بامزه. او درباره نقشش در سریال مستوران اظهار می‌کند: من نقش خاکسـتری دارم نه مثبت و نه منفی. یـک دختری کـه نمی‌توانید شـخصیتش را تشخیص بدهید چون چند بعدی است. امیدوارم مخاطبان حضورم در این کار را هم بپسندند.

خبری از «نجلا ۳» نیست

دهقانـی همچنیـن درباره ادامه سـاخت «نجلا» هم می‌گوید: بعید می‌دانم خبری باشد و فکر نمی‌کنم سری سوم این کار ساخته شود یا حداقل الان در حال حاضر می‌دانم که فصل سومی در کار نیست چون صحبتی نشده است. بـه نظرم قصه «نجلا» قابلیـت ادامه‌دار بودن دارد و حتی بیشتر از سه فصل اما این موضوع به کارگـردان و تیم نویسـنده برمی‌گردد که بخواهند کار را ادامه بدهند یا خیر. این بازیگر در بخشـی دیگر از صحبت‌هایش درباره اینکه به عنوان یک بازیگر جوان چه درخواسـتی از مسوولان صداوسیما دارید؟ خاطرنشان می‌کند: من نه سیاسـت‌گذارم و نه چیز دیگر. فقط به عنوان یک مخاطب عام دوسـت دارم نگاهم را بگویم چون تلویزیون ما یک رسانه ملی است و متاسفانه تیغ سانسورها این روزها آنقدر تیز است که به کارها آسیب می‌زند. من با نوع گریم و پوشش‌ها کاری ندارم ولی از زبان یک جوان می‌گویم که در کارها این همه تناقض می‌بینند و سـوال برایش پیش می‌آیـد که مثلاً همان خانم و آقایی کـه در تلویزیون بازی می‌کنند چرا در سینما و شـبکه نمایش خانگی شکل دیگـری دارنـد؟ هم از نظر ظاهـری و هم از لحاظ فیلمنامه‌ای. متاسفانه دست نویسنده و کارگردان در تلویزیون بسیار بسته است و شما نمی‌توانید هر ژانر و هر داسـتانی را به نمایش بگذارید در صورتی که مخاطبان الان کاملاً با هوشیاری تمام، تکنولوژی را دنبال می‌کنند و حتی از فیلمسازان ما جلوترند.

اخبار کوتاه

فریماه فرجامی در کماست

فریماه فرجامـی چند روزی اسـت کـه در کما به سـر می‌بـرد. به گزارش ایسـنا، فریماه فرجامی متولد سـال ۱۳۳۱ از چهره‌های مشـهور سـینمای ایران در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ است که سال‌هاست از بازیگری دور شده و آخرین حضورش روی پرده سـینما به نقشی در فیلم «لامینور» داریوش مهرجویی در سـال ۱۳۹۸ برمی‌گردد. طبق تایید چند منبع موثق، این بازیگر سینما حدود دو ماه قبل دچار سـکته مغزی شـد و پس از بهبود نسبی درمان را تحت نظر پزشک در منزل ادامه داد اما مدتی قبل دوباره براثر سکته راهی بیمارستان شد و حدود پنج روز است که در یکی از بیمارستان‌های تهران در حالت بیهوشی و کما به سر می‌برد.

«خط قرمز» و «سرب» مسعود کیمیایی، «اجاره‌نشین‌ها»ی داریوش مهرجویی، «مادر» علی حاتمی، «پرده آخر» واروژ کریم‌مسـیحی و «نرگس» رخشـان بنی‌اعتماد از جمله فیلم‌های این بازیگر هستند.

دستمزد یک میلیاردی منوچهرهادی برای هر قسمت «نیسان آبی۲»

منوچهرهادی به دلیل آنچه «عدم توافـق مالی» از سـوی او عنوان شده اسـت، از کارگردانی «نیسان آبی ۲» انصراف داد؛ توافقی که در صورت تحقق، به نظر می‌رسد برای کارگردانی هر قسمت، دستمزدی یک میلیارد تومانـی را برایش در پی داشت!

به گزارش ایسـنا، صبح دیروز منوچهرهادی با انتشار مطلبی در فضای مجازی اعلام کرد که از کارگردانی سـریال «نیسان آبی ۲» انصراف داده است و دلایل این کناره‌گیری را به توافق نرسـیدن در بخـش مالی با پلتفرم مربوطه، عنوان کرده است.

بر این اسـاس، خبرنگار ایسنا مطلع شده است که علت این به توافق نرسیدن، درخواست نزدیک به یک میلیارد تومانی منوچهرهادی فقط برای کارگردانی هر قسـمت از «نیسان آبی ۲» است که حدودا دو برابر مبلغ پیش‌بینی شده برای تولیدکنندگان است. همچنین برآورد این سریال، نزدیک به سه میلیارد تومان بدون دستمزد کارگردان برای هر قسمت پیش‌بینی شده است.

منوچهرهادی بعد از تجربه سـاخت سـریال «نیسـان آبی» و پیشـتر از آن مجموعه‌هایی از جمله «عاشـقانه»، «دل» و «گیسو» و در حالی که از نگارش ساخت فصل دوم «نیسان آبی» خبر داده بود، طی یک ماه اخیر سریال جدیدی با عنوان «نیوکمپ» را در شبکه نمایش خانگی رو کرد.

این کارگـردان که مجموعه‌های «دلـدادگان»، «خداحافظ بچه» و «خوب بد زشـت» را هم در تلویزیون تولید کرده بود، این روزها بیشتر در شبکه نمایش خانگی فعال است.

تئاتر یکشنبه و دوشنبه تعطیل است

سالن‌های نمایشی کشور به مناسبت فرارسیدن سالروز شهادت امام محمدباقر(ع) به مدت دو روز اجرایی نخواهند داشت.

به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی اداره کل هنرهای نمایشی مطابق با اعلام شورای ارزشیابی و نظارت بر نمایش، تمامی تماشاخانه‌ها و سالن‌های تئاتر کشور در روزهای یکشنبه (۴ تیر) و دوشـنبه (۵ تیر) به مناسبت فرارسیدن سالروز شـهادت امام محمدباقر (ع) اجرایی نخواهند داشت. اجرای آثار نمایشی از روز سه‌شنبه، ۶ تیرماه از سرگرفته خواهد شد.

جایزه «اورول» به نویسندگان تازه‌کار رسید

جوایز ادبی «جوروج اورول» سـال ۲۰۲۳ به نخسـتین کتاب‌های دو نویسنده تعلق گرفت.

به گزارش ایرنا، کتابی درباره آتش‌سوزی برج گرنفل با عنوان «جسدها را نشانم دهید: چطور اجازه دادیم گرنفل رخ دهد» نوشته پیتر اپس برنده جایزه ادبیات غیرداسـتانی اورول در سال ۲۰۲۳ شـد. همچنین با اعلام برندگان این جایزه ادبی، تام کرو برای نگارش رمانی تاریخی با عنوان زندگی جدید به عنوان برنده جایزه ادبیات داسـتانی اورول معرفی شد. کتاب‌های برگزیده امسال که هر دو نخسـتین اثر نویسندگان آن‌ها محسوب می‌شوند، در جریان مراسمی در لندن معرفی شدند و جایزه هر یک از نویسندگان این کتاب‌ها ۳,۰۰۰ پوند است. سال گذشته، چیزهای کوچکی مانند این نوشته کلر کیگان و بار چهارم، غرق شدیم: به دنبال پناهگاه در مرگبارترین مسیر مهاجرت جهان اثر سالی هیدن به ترتیب برنده جایزه اورول برای ادبیات داسـتانی و غیرداسـتانی سیاسی شدند. جایزه سه‌هزار پوندی جورج اورول در سال ۱۹۹۳ راه‌اندازی شده است.

هشدار کانون کارگردانان برای ماجراهای شبکه نمایش خانگی

کانون کارگردانان خانه سـینما در بیانیه‌ای در مورد مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی و نظارت صداوسـیما بر شبکه نمایش خانگی هشداد داد و تاکید کرد: برهم خوردن تعادل موجود در شبکه نمایش خانگی، به معنی تعطیلی نمایش خانگی و در نتیجه بیکاری بخش زیادی از صنوف سینمایی و بحران در جامعه سـینما خواهد بود. به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی کانون کارگردانان خانه سـینما، در این بیانیه با عنوان «در چه جامعه‌ای زندگی می‌کنیم؟» آمده است: «مشروعیت بخشیدن به نظارت تلویزیون بر شبکه نمایش خانگی و رفتن به سمت قانونی کردن این نظارت با تصمیم‌گیری از بالا بدون در نظر گرفتن نظر اهالی سینما و کارشناسان مستقل و بررسی همه جوانب، تصمیمی است اشتباه که نتیجه آن بحران در شبکه نمایش خانگی خواهد بود.

توجه داشـته باشیم این تصمیم در شرایطی گرفته شده است که اولاً تلویزیون در تغییر و تحولات جدید نتوانسـته مقبولیت عمومی پیدا کند و بر عکس به دلیل از دسـت دادن نیروهای کارآمد و چهره‌هـای محبوب میزان نفوذش در جامعه کاهش یافته است. ثانیاً این تصمیم در شرایطی اجرایی و قانونی می‌شود که شـبکه نمایش خانگی علیرغم نوسانات اجرایی به استقلال نسبی رسیده و توانسته به مطالبات بخشی از مخاطبانی جواب دهد که در سال‌های اخیر آرزوها و آرمان‌هایشان در درام‌های تلویزیونی جایی نداشته است.

اصلاً شبکه نمایش خانگی زمانی شـکل گرفت که تلویزیون به دلایل سیاسی مجبور شد زندگی طبقه متوسط را از درام‌های خود خارج کند و حتی از شوخی با زندگی این طبقه پرهیز کرده و این شـوخی‌ها را به سـکونتگاهی نامشخص منتقل کند. شـبکه نمایش خانگی به تدریج با نزدیک شدن به مخاطبی قوام یافت که تصویر منفی سـبک زندگـی‌اش در درام‌هـای تلویزیونی، جایگزین تصویر واقعی شـده بود. شبکه نمایش خانگی به جای این نفرت‌پراکنی سعی کرد با درک درسـت شـرایط فرهنگی و اجتماعی این طبقه و تصویر واقعی از آن، درام‌هایش را بسـازد. با رشد این مخاطب که کم‌کم در جامعه به اکثریتی تعیین‌کننده تبدیل شد، شبکه نمایش خانگی گسترش یافت.

مخالفان شبکه نمایش خانگی به جای نوشتن مقالات سطحی باید بفهمند در چه جامعه‌ای زندگی می‌کنند. این فهم خیلی مهم اسـت. جامعه ایران دارای چندگانگی فرهنگی اسـت؛ یک پاره سـنتی دارد و یک پاره مدرن که این پاره مدرن در سال‌های اخیر به شـدت رشد کرده و روی پاره سنتی تأثیر گذاشته است.

در گذشـته در قبل از انقلاب اداره‌کنندگان جامعه نفهمیدند پاره سنتی رشد کرده و به اکثریت تعیین‌کننده تبدیل شـده و حـالا نمی‌خواهیم بفهمیم که پاره مدرن در جامعه تعیین‌کننده اسـت. اگر این فهم در نظارت وجود نداشته باشـد و ناظران بخواهند به شیوه تلویزیون با همان نفرتی که از طبقه متوسط مـدرن دارند درام‌های شـبکه نمایش خانگـی را بازبینی کننـد درامی باقی نخواهد ماند و مخاطبانی که چندین سـال با درام‌های نمایش خانگی سرگرم شـدند جذب ماهواره‌ها خواهند شـد و تعادلی به هم خواهـد خورد. با به هم خوردن این تعادل تلویزیون اگر نگرش فعلی را در تصویب درام‌هایش داشـته باشد تماشـاگرش افزایش نخواهد یافت. کانون کارگردانان سینمای ایران به مجلـس یادآوری می‌کند که بر هم خـوردن این تعادل یعنی تعطیلی نمایش خانگی و تعطیلی نمایش خانگی یعنی بیکاری بخش زیادی از صنوف سینمایی و بحران در جامعه سینما.»